

# روزنامه همدان

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه ۳ خرداد ۱۴۰۱\_ ۲۲ شوال ۱۴۴۳\_ ۲۴ ۲۰۲۲- شماره ۱۹۴۱ \_ سال ششم  
۸ صفحه - قیمت ۲۰۰۰ تومان - ضرب کیفیت ۶۷۴

hamdelidaily.ir hamdeli@gmail.com newspaper.hamdeli

سردبیر: فضل‌الله یاری

تاریخ: نشر گستر امروز

۰۲۱۶۹۳۳۰۰۰

۰۲۱۶۶۹۱۲۷۵

تلفکس: ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۶۹۱۲۷۱

## یادداشت‌ها بدون مخاطب

### عکس‌ها، کتاب‌ها و این خاطره‌های خیابان



علی داریا

چهارشنبه‌نویس

مثل اخلاقیات و رفتارهای اخلاقی که در حضور دشواری‌ها و ناملایمات زندگی رنگ می‌یازد، نان‌ها و بسته‌های پنبیری که هرروز کوچک و کوچک‌تر می‌شود، تاریخ‌مصرف ناخوانا و حتی پاک‌شده از روی بعضی کالاها، اما گم‌شدن عددها و عقربه‌ها پدیده غریبی است.

البته همین‌جا اضافه می‌کنم: این‌گونه نیست که هر ناپیدایی و گم‌شدن با شر همراه است یادمان نرود چه روزهایی که آرزو می‌کردیم آیا می‌شود کرونا گوش را گم کند و گم بمیرد کرونا و امروز کرونا کم و کم‌رنگ شده است هرچند باید هنوز لایه‌های مراقبت نشده زندگی سر دربیابود.

بازگردیم به گم‌شدن عددها و عقربه‌ها: راستی چه خوب می‌شد برگردیم و در حال و هوای خوش‌بینی ویژه حضرت مولانا زندگی کنیم که خطاب به انسان می‌گفت: تو هنوز ناپیدی! زجمال خود چه دیدی؟! تو مپی به زیر میگی! معاش این هست که: انسان! تو هنوز کشف نشده و ناشناخته مانده‌ای، تو به مام پنهان در پس ابرها می‌مانی که جمال و زیبایی‌های وجودت هنوز نهادهی و زیبایی بالقوه را در نهاد انسان بپذیریم که من به آن باور دارم، بایستی به شر، پلیدی و تباهی القوه در نهاد بشر فکر کرد، چون یوسف داریم، برادران یوسف هم پدیده‌اند، هابیل و قابیل داریم گو اینکه در باورهایمان شرّ عرضی و نابود شدنی است و خیر ذاتی و بالنده است.

اما در سخن مولانا یک دعوت اصیل به دیدن و فقط به نگاه کردن وجود داشت که من دوست دارم.ش، دیدن، دیدن و دیدن و همین باور به دیدن و فراتر از آن شوق و اشتیاق دیدن و بازم دیدن هست که مرا شیفته کویر و دریا کرد است تا عاشقانه نگاه کنم به هرچه زیباست و گاه از فرط خیرگی نگاهم عددها و عقربه‌ها گم شوند، زمان گم شود و زمین و من گم شوم در ناپیدایی و پیدایی این جهان، خیابان، خاطره و عکس‌ها این تصاویر صامت و گاه متحرک و راز آمیز هستی و هیچ‌ندانم و نخواهم که بدانم جز سکوت که گاه شکوهمندترین موسیقی این جهان و همه جهان‌های پیدا و ناپدید در ناپیداهاست.

## روزی که پرویز پویان و چریک‌های فدایی کشته شدند

نخستین اعلامیه‌های «سازمان چریک‌های فدایی خلق» در بهار ۱۳۵۰ منتشر شد؛ اعلام موجودیتی که هزینه سنگینی در برداشت. در جریان توزیع این اعلامیه‌ها یکتن از چریک‌ها به نام جواد سلامی به ضرب گلوله کشته و علیرضا نابدل از اعضای حلقه تبریز توسط نیروهای امنیتی دستگیر شد. بازداشتی که سراساز یک‌رشته ضربات متوالی و بزرگ به گروه شد. حدود یک ماه بعد بود که گروه خود را برای سرقت از بانک واقع در خیابان آینه‌نهار آماده کرد. در این روز مقرر بود اشرف دهقانی در حوالی بانک حضور یابد تا از عکس‌العمل مردم گزارشی تهیه کند ولی به دلایل نامعلومی او در ساعات نخستین روز به خیابان ۱۲آذر رفت. ساواک که از تردد او در حوالی دانشگاه مطلع شده بود در آن روز با راهنمایی فردی که اشرف دهقانی را به چهره می‌شناخت موفق شد او را دستگیر کند. دوستی و رفاقت اشرف دهقانی با عضو دیگر گروه یعنی نزهت‌السادات روحی آهنگران که از دوران سپاه دانش آغازشده بود، این احتمال را برای ساواک مطرح کرد که ممکن است پس از دستگیری اشرف دهقانی، برادر او بهروز با نزهت‌السادات روحی تماس بگیرد. این تحلیل ساواک کاملا واقع‌بینانه بود؛ بنابراین با طمع قرار دادن نزهت‌السادات روحی، بهروز دهقانی نیز در آخرین روز اردیبهشت‌ماه سال ۵۰ به دام ساواک افتاد. بهروز دهقانی هنگام دستگیری بر گاهی به همراه داشت که بر اساس آن قرار ملاقات او با حمید توکلی «لو» رفت. این چنین بود که با حضور مأمور ساواک به‌جای دهقانی بر سر قرار، حمید توکلی هم دستگیر و طی بازجویی خانه امن پویان واقع در محله نیروی هوایی را افشا کرد. اعضای تیم مستقر در این خانه پس از ناامید شدن از بازگشت توکلی تصمیم به ترک خانه گرفتند اما به دلیل اعتماد پویان به توکلی تخلیه خانه متغنی شد و اعضا چشم‌پراه توکلی ماندند. این چنین بود که نه‌تنها توکلی بازنگشت بلکه ساواک با تعداد زیادی نیرو و امکانات فراوان پیش از ظهر سوم خردادماه سال ۱۳۵۰ خانه تیمی آن‌ها را محاصره کردند. با آتش گشودن ساواک به‌سوی خانه، پویان و رحمت‌الله پیروندیزی به مقابله پرداختند. زده‌خوردی که در جریان آن به مأموران دولتی نیز تلفات فراوانی وارد آمد. تیراندازی دو طرف چند ساعت به طول انجامید. با تنگ‌تر شدن حلقه محاصره پویان

کشته شدند و پیروندیزی و پایان گلوله‌هایشان آن‌ها مهم‌ترین تصمیم زندگی خویش را گرفتند و پیش از آنکه به دام ساواک بیفتند درحالی‌که صدای گلوله‌باران خانه بانوای صفحه سفوفی بتهوون آمیخته بود، با خوردن سیانور به زندگی خود پایان دادند. نامشخص بودن کشته شدن یا دستگیری رحمت‌الله پیروندیزی، موجب شد اسکندر صادقی‌نژاد دیگر عضو گروه برای تخلیه خانه‌ای که شب پیش از آن پیروندیزی در آنجا ساکن بود تعجیل کند. همین مراجعه شتاب‌زده و توأم با اضطراب او به بنگاه معاملات ملکی، سوءظن صاحب بنگاه را برانگیخت و او کلانتری را از این نقل‌وانتقال باخبر کرد. حضور مأمورین در محل مصادف بود با اناث‌کش آنان. درنتیجه زده‌خورد میان دو طرف صادقی‌نژاد کشته و احمد زبیرم و جشمیدی رودباری متواری و سعید آریان و همسرش شهین توکلی دستگیر شدند.

قتل پویان و دوستانش سراساز یک‌رشته زده‌خوردهای مشابه در تهران و شهرهای دیگر شد که تا پایان دوران پهلوی به‌تناوب ادامه یافت. از سوی دیگر دفن پنهانی اجساد پویان و همفکرانش و ایجاد مزاحمت برای کسانی که در جست‌وجوی محل دفن اجساد بودند خشم مردم را در تهران و مشهد برانگیخته بود؛ خشمی که به برگزاری چند تجمع و حرکت اعتراضی منجر شد. فقدان آنان نه‌تنها مردم را خشمگین کرد که به‌واسطه ضربات مهلکی که بر گروه واردشده بود، به فراهم آوردن مقدمات ایجاد هسته‌های چریکی در روستاها و کوهستان از سوی بازندگان چریک‌های فدایی خلق منجر شد. در پی درگیری محله نیروی هوایی، سوم خردادماه ۱۳۵۰ به‌عنوان آخرین روز حیات امیرپرویز پویان رقم خورد اما او تا سال‌ها بعد الهام‌بخش گروه کثیری از چپ‌گرایان معتقد به مبارزه مسلحانه بود. افرادی که هنوز دل در گروه پویانی دارند که گفته بود: «برای ما این مسئله که اینک تقریباً بیشتر رفقای که مبارزه مسلحانه را در ایران آغاز کردند، به شهادت رسیدند، هیچ جای درغی ندارد و فرصت‌طلبان پیوسته می‌کوشند آن را دلیل شکست و نابودی ما به‌حساب آورند. از نظر ما از بین رفتن این یا آن واحد رزمنده به‌هیچ‌وجه نابودی محسوب نمی‌شود. این برداشتی سطحی از قضایاست.»

## یادداشت‌ها معمولا

نگاهی و آهی به شعر «گاهی ...» از زهره یوسفی

### روانشناسی اندوه



فیض شریفی پژوهشگر ادبیات

«گاهی یاد تمام روزهای رفته را زیر پا گذاشت/ با چشمانی باز حال مستمر را از ماضی‌های بعید بیرون کشیدید/ زندگی را خلاصه کرد در تویی که هستی...»

اندوهان ما وقتی سالم و طبیعی می‌شود که پودری از شاعر بر درد و آلام ما پاشیده شود. اندوه هر شاعر و هر فرد مختص به خود است. یک اندوه ممکن است یک‌عمر طول بکشد چون گاهی وقت‌ها اشخاص تاسیانی و نوستالژیک همچنان به دوست داشتن شخص از دست‌رفته ادامه می‌دهند. از این زاویه نقطه‌ای اتصال مرگ و اندوه انبوه، عشق است و برخی اوقات دل‌ستگی (attachment)، درهرصورت با وجود تمام مناصب باید زندگی کرد: «تسو تا قیامت آید زاری کن‌اکی رفته را به زاری باز آری لهموار کرد خواهی گیتی را/ گیتی است کی پذیرد همواری؟»

دشوار خواهد بود مرگ عزیزان اما جزو جدانشدنی از تلاش ما برای کنار آمدن با جدایی و مرگ است یا بنیوانیم درهرصورت زندگی کنیم یوسفی شاعر می‌گوید: «گاهی باید تمام روزهای رفته را زیر پا گذاشت...» شاعر می‌خواهد بگوید خود را در اندوه مستغرق نکن، چاره‌ای نیست

باید زندگی کنی حتا اگر آن کس را که دوست می‌داشتی نقش مهمی در زندگی تو داشته باشد یا (محبوب یا آدم مهم دیگری) باشد. می‌بینیم که اندوه و انواع داغ‌دیدگی اشکال مختلف و متفاوتی دارد ولی امری اجتناب‌ناپذیر است که دربرگیرنده تجربه‌های زیست‌مانی، عاطفی، شناختی و روانی است و به شکل طیف گسترده‌ای از رفتارهای قابل‌مشاهده بروز داده می‌شود. اندوه اجتناب‌ناپذیر است ولی ما به آن «بیار» هم داریم. باید اندوه عشق زنده‌ی دیگری را جانشین گردانیم و بر خود هموار کنیم تا اندوه پیشین به‌طور مسوولی کنار گذاشته شود. به قول مولوی که گفت: «بزد عشق را جز عشق دیگر». پس شرط اصلی همین است که روندی را باید طی کنیم تا از نظر عاطفی از فرد در گذشته جدا کنیم تا دل‌ستگی‌ها و وابستگی‌ها/ روابط جدیدی ایجاد کنیم تا مابقی عمر را به زندگی بپردازیم؛ «هو با چشمانی باز حال مستمر را از ماضی‌های بعید بیرون کشیدید/ زندگی را خلاصه کرد در تویی که هستی.»

در «ماضی» نه، در «ماضی‌های بعید» اتفاق‌های زیادی افتاده است. در این ماضی‌ها از خیلی‌ها جداشده‌ایم، جدایی‌ها خیلی نرم‌تر و مینگیزان‌تر از مرگ از دست‌رفته‌ای است. یوسفی همه را با هم دردم می‌لوانسد. می‌گوید: هر اتفاقی که برای تو رخ‌داده باشد حالت را بکن. مستمرا حال بکن. دردناک است که آدمی فرزندی یا کسی را از دست‌داده باشد و بتواند حال کند. مرگ فرزند

## داستان‌ها

### سطل آشغال و چرخ‌ی که نمی‌چرخد

ولی انگار نمی‌چرخید. زندگی‌ای که بر بود و چاله و دست‌انداز حسرت‌ها و نداشتن‌ها، عصری پسرش یادین تبلیغات بستنی خلمه‌ای از همین وضع اسفناک هر شب سطل را زنگ‌راگ و مایرپچ به‌طرف پارکینگ سطل‌ها می‌برد و این داستان‌ها برایش پیش نمی‌آمد. این بار چه شده بود که کم‌وقت شده بود از سه ساعت پیش که از خانه بیرون زده بود ذهنش مشغول شغلش بود؛ رفتگری با این وضع کاری نبود که روز کسی در آن دوام بیابد. هر شب و هر سی روز ماه در این بیست سال کارش همین بود؛ جوار کشیدن بر تن خیابان‌های ناهموار و بر از دست‌انداز، جمع‌کردن کیسه و نایلون‌های زباله، بیل کشیدن کتال‌های شهر، هر دان سطل سنگین و داغان آشغال از کوچه‌ها و خیابان‌های شهر تا چهارفضل زندگی‌اش به‌سختی بچرخد، تازه‌رسیده را اسد گوشه‌ای پارک کند.

سختی بگیریم؛ شاید برخی موافق نباشند! و علی بهادری چه‌ری، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت و مفسر سخنان رئیس! گفته که منظور رئیس‌جمهور از «تصمیمات سخت» خصوصی‌سازی و مبارزه با رانت‌خواران بود، نه افزایش قیمت بنزین و دیگر حامله‌های انرژی! و خیال ملت را از این بابت راحت کرد! آن‌چنان که مردم غم گرانی‌ها و چند برابر شدن یک‌شبه قیمت نان و مواد شوکری و سفره‌خوشی همیشه خالی‌شان را که ناشی از مرحله نخست



رحمان دادگستر داستان‌نویس

اسد هر چه زور داشت به بازوها و آرنج‌ها به انگشتانش انتقال داد که دسته سطلی بزرگ را گرفته بود و بعد با هن هم کردن فشار داد، ولی انگار نه‌انگار که زوری زده‌شده و نه اسد این‌همه هن‌هن می‌کرد. شنب بود و ماه گوئی ابرها را کنار می‌زد. اسد چشمش را از آسمان برداشت و رد آب سیاهی را دید که جای حرکت چرخ‌ها روی آسفالت بود و دنبالش مثل سایه می‌آمد و از گوشه‌های سوراخ سطل شرم می‌کرد. متوجه شد که چرخ جلویی در چاله‌ای افتاده و هر چه زور زده بود دررفته است. با خشم و درمداًنگی

## سرنوشت‌ها

### تصمیمات سخت!

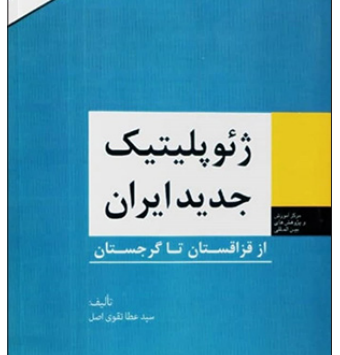


مهدی فخری قضایایی نویسنده

اخیراً رئیس‌جمهور در همایش نخستین رویداد بین‌المللی خصوصی‌سازی در اقتصاد ایران گفت: «قرار است در کشور تصمیم‌های

## کتاب

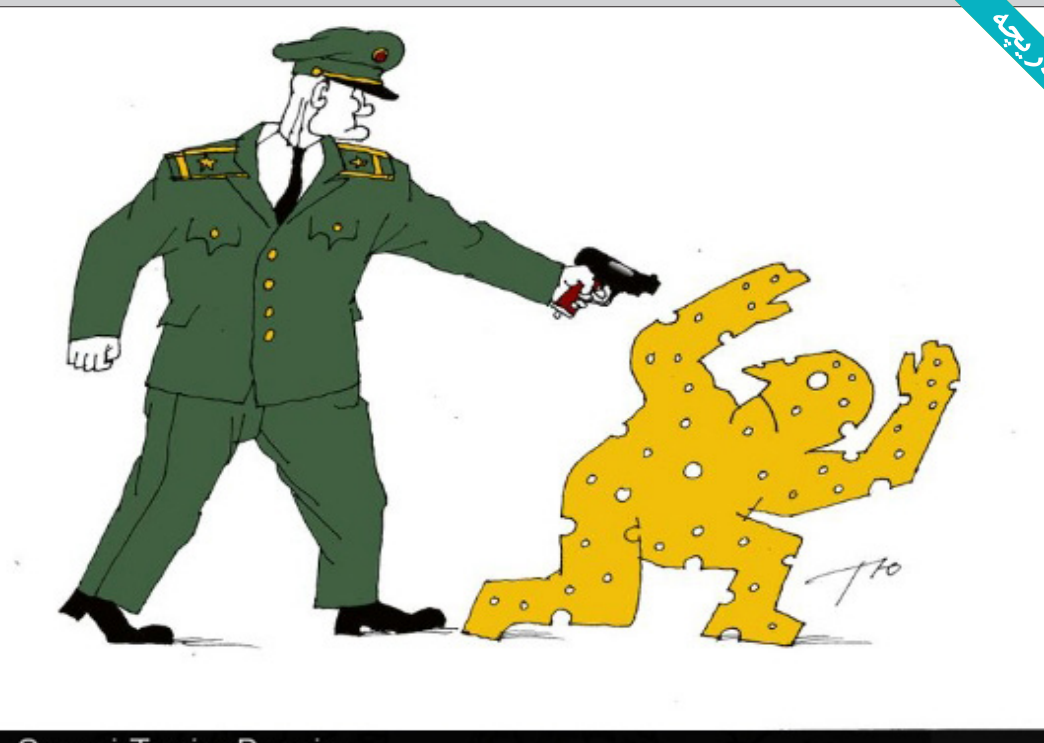
### موقعیت ژئوپلیتیک ایران در آسیای میانه و قفقاز



سیاسی فروپاشی شوروی بر ژئوپلیتیک ایران، تبیین می‌شود.

ایجادشده بعد از فروپاشی. با اتخاذ چه رویکردهای می‌تواند بیشترین فرصت‌ها و کمترین تهدیدات را متوجه منافع ملی خود کند. در این کتاب پس از چاب رسیده آمدن تعریفی از مفاهیم نظری تحقیق (ژئوپلیتیک، آسیای مرکزی، قفقاز و حدود ایران) با مهم‌ترین ویژگی‌های ژئوپلیتیک ایران (دیدگاه‌ها و عوامل مؤثر در ژئوپلیتیک ایران و اشرار علائق ژئوپلیتیک جدیدی برای روسیه تزاری و جانشین آن شوروی سابق نسبت به ایران) تشریح می‌شود، سپس بحران‌ها، منابع و ظرفیت‌های کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز بررسی می‌گردد. در پایان نیز تأثیرات امنیتی و اقتصادی

## دریچه



Sergei Tunin-Russia

## روزنامه‌ها

سر از قدت اندازه بالا بردست  
بحر از دهنٔ لؤلؤ لاا بردست  
هر جا که بنفشه‌ای ببینم گویم  
مویی ز سرت باد به صحرا بردست

## منتقدان

### خیار تخلف شرط:

هر گاه بعد از عقد وفا به شرطی که شده (شرط صفت) نشود کسی به نفع او شرط شده می‌تواند معامله را فسخ و عوض را بگیرد و می‌تواند معامله را به همان نحو قبول کند

## مجازها

- دیروز یکی از شاگردام پیام داد خانم یه بازی نصب کردم رو موبایلم سه روزه یه کلمه هم درس نخوندم. بش گفتم اسمشو بگو. گفت پاپ کراس. نصیبش کردم از دیروز تا الان دارم بازی می‌کنم. الان یاد اومد می‌خواستم بهش بگم پاکش کن. (ناکاما)
- امروز تو تاکسی کنارم دوتا خانوم دوست نشسته بودن، یه چند ماه انگار از هم بی خبر بودن، خوش‌بیش کسردن، یکیش گفت فروردین مامانم فوت کرد، دوستش جواب داد وای من خبر نداشتم، خدا رحمتش کنه، الان حالش چطوره؟! (Sara)
- با این شرایط مالی ای که دارم تنها راه مهاجرتم مهاجرت روح از تنه. (آوا بی)
- دندونیزشکا سه واحد درسی اوه اوه کردن پاس میکنن، جوری که وقتی بیمارو ویزیت کنن جوری بگن «اوه اوه اوضاع دندونات خیلی بد» که طرف کلیه هاشو بفروشه واسه ترمیم دندوناش!

## دانشگاه

### احتمال دانشمندان درباره وجود جهان آینده‌ای موزی با دنیای ما

دانشمندان می‌گویند ممکن است جهان آینده‌ای به‌موازات و متقارن با جهان ما وجود داشته باشد که قابل‌زیوت نیست و تنها از طریق گرانش بودند دم برنی‌آوردند و کاری نمی‌توانستند بکنند؛ فقط توانستند تلویزیون را خاموش کنند. اسد بلندنلدن فکر می‌کرد و شروع کرد به درآوردن نایلون‌های زباله. سبک که شد سطل را با فشار دیواره‌های بیرون آورد و دوباره زباله‌ها در سطل روی‌هم ریخت. از بین چاله‌ها و دست‌اندازها رد شد و به پارکینگ رسید. دو‌سایه تا کمر توی سطل‌ها خم‌شده بودند و زباله‌ها را با سرعت جلجای می‌کردند؛ صدای سطل بزرگ زباله گرد‌ها بیست‌اندند و منتظر ماندند تا سطل تازه‌رسیده را اسد گوشه‌ای پارک کند.

تصمیمات سخت! و ناگهانی رئیس‌جمهور انقلابی بود، فروموش کرده‌اند و خوشحال و خندان رفتند خانه‌هایشان و دیگر اعتراضی ندارند! انصافاً گلی به جمال این رئیس دولت خصوصی‌سازی و مبارزه با رانت‌خواران بود، نه افزایش قیمت بنزین و دیگر حامله‌های انرژی! و خیال ملت را از این بابت راحت کرد! آن‌چنان که مردم غم گرانی‌ها و چند برابر شدن یک‌شبه قیمت نان و مواد شوکری و سفره‌خوشی همیشه خالی‌شان را که ناشی از مرحله نخست

ممکن است جهان آینده‌ای نادیدنی به‌موازات جهان ما وجود داشته باشد که ذرات آن صرفاً از طریق گرانش با جهان ما در تعامل است. اگر این نتیجه‌گیری درست باشد، می‌تواند موضوع اختلاف‌نظر در مورد ثابت هابل و انبساط جهان را حل کند که در حال حاضر به معمای بزرگی در کیهان‌شناسی تبدیل‌شده است. ثابت هابل نرخ فعلی انبساط جهان است. زمانی که دانشمندان از طریق مدل استاندارد کیهان‌شناسی سرعت انبساط جهان را پیش‌بینی می‌کنند، نرخ آن بسیار کندتر از سرعت کشف‌شده توسط دقیق‌ترین اندازه‌گیری‌های انجام‌شده است. بسیاری از کیهان‌شناسان در تلاش‌اند تا علت این تفاوت را با تغییر پارادایم کیهان‌شناسی حل کنند. «فرانسس یان سیر راسین»، استادیار گروه فیزیک و نجوم دانشگاه نیومکزیکو و محققان دیگری از دانشگاه کالیفرنیا در تلاش‌اند تا راهکاری برای حل این معما پیدا کنند و آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که شاید لازم باشد تا نظریات بنیادین درباره درک ما از کیهان به‌صورت کلی تغییر کند تا پاسخی احتمالی برای این موارد به دست آید. به گفته ناسا، کیهان‌شناسی به مطالعه علمی ویژگی‌های جهان در مقیاس بزرگ می‌پردازد. کیهان‌شناسان موضوعاتی مانند ساده تاریک، انرژی تاریک و همچنین وجود یک یا چند جهان را بررسی می‌کنند. این بخش از کیهان‌شناسی درباره کل کیهان، مملو از اسرار ناشناخته است. اما اکنون دانشمندان در مطالعات خود مدل‌های ریاضی کیهان‌شناختی را شناسایی کرده‌اند که قبلاً نادیده گرفته می‌شد و این مدل‌ها می‌توانند پاسخگوی اختلاف‌نظرها در مورد نرخ انبساط جهان باشند.

اگر جهان به شکلی دارای چنین تقارن آینده‌ای باشد، در اصل باید انتظار داشت که جهان آینده‌ای وجود دارد که به شکل قابل‌توجهی شبیه جهان ماست، اما نمی‌توانیم آن را ببینیم و تنها از طریق گرانش می‌توان وجود آن را اثبات کرد. محققان این مطالعه می‌گویند شاید در نگاه اول چنین موضوعی احمقانه به نظر برسد ولی از آنجایی که این نظریه می‌تواند به حل برخی مسائل فیزیک ذرات کمک کند، می‌توان روی آن بررسی‌های بیشتری انجام داد.